



### مدیر ریسک را بکشید!

© February 2012, Dr David Hillson FIRM, HonFAPM, PMI Fellow

david@risk-doctor.com

یکی از مقالات اخیر تحت عنوان "ده نکته برتر برای مدیریت ریسک اثربخش"، ایده جالبی را در برداشت. آیتم شماره چهار بدینگونه بود: "مدیر ریسک را بکشید!" ولی نویسنده ما را به تسلیم کردن قائل پیشنهاد نمی کرد. در عوض او پیشنهاد می نمود که عنوان شغلی مدیر ریسک باید از بین برود. چرا؟

شما از یک مدیر ریسک انتظار انجام چه کاری را دارید؟ روشن است که یک مدیر ریسک، ریسک را مدیریت می کند. اما این کار، هم غلط است و هم ناکارآمد. هر کسی باید مسوول کنترل ریسک های مربوط به خودش باشد و نباید آن را به یک شخص بسپارد که با همه ریسک ها درگیر شود. این واقعیت برآمده از روش شناسایی ریسک می باشد.

همه تعریف های ریسک ارتباط روشنی مابین ریسک و اهداف ایجاد می کنند. به عنوان مثال استاندارد بین المللی مدیریت ریسک ISO31000:2009 - خطوط راهنما و اصول و مبانی، می گوید ریسک "تاثیر عدم قطعیت روی اهداف" است، و استاندارد کاربردی مدیریت ریسک پروژه ی موسسه مدیریت پروژه، ریسک را به عنوان "رویداد یا شرایطی غیرقطعی که اگر به وقوع بپیوندد، تاثیری مثبت یا منفی روی اهداف پروژه می گذارد" تعریف می کند.

هر وقت اهداف وجود دارند، ریسک هایی هم که ممکن است آنها را تحت تاثیر قرار دهند وجود دارند. دلیل اینکه مدیریت ریسک اینقدر اهمیت دارد این است که توجه را روی عدم قطعیت هایی که روی می دهند متمرکز می سازد. ارتباط ریسک ها با اهداف ما را در تعیین رویدادها یا شرایط غیرقطعی ای که می توانند شانس موفقیت ما را تحت تاثیر قرار دهند کمک می کند. سپس می توانیم این ریسک ها را رتبه بندی کنیم و پیشاپیش به آنها پاسخ دهیم، از روی دادن رویدادهای بد پیشگیری کنیم و یا خودمان را پیشاپیش از خطرات محافظت نماییم، در حالی که چیزهای خوب را ارتقا می دهیم و خودمان را در موقعیت بهره برداری از فرصت ها قرار می دهیم.

به عنوان نتیجه این ارتباط، فرد مناسب برای مدیریت یک ریسک خاص، کسی است که مسوول هدفی است که ممکن است [از این ریسک] متاثر شود. اگر ریسک "عدم قطعیتی است که روی می دهد"، آنگاه یک ریسک خاص تنها برای کسی روی می دهد که هدفش تحت تاثیر آن ریسک قرار دارد. و آن شخص به طور طبیعی باید مسوولیت مدیریت ریسک های اهدافش را بپذیرد (گرچه ممکن است آنها افراد دیگری را نیز برای کمک درگیر سازند). بنابراین همه ما "مدیران ریسک" برای مجموعه ای از ریسک ها که بر اساس اهدافی که داریم، برای ما اتفاق می افتند، هستیم.

آیا این بدان معنی است که نباید نقش و وظیفه ای مرتبط با ریسک در یک پروژه یا کسب و کار وجود داشته باشد؟ نه، معرفی نمودن یک نفر به عنوان مجری فرآیند ریسک جهت ایجاد اطمینان از اینکه فرآیند به صورت روان و اثربخش انجام می شود و با استاندارد انطباق دارد، و افراد برای درگیر شدن و شرکت کردن در مدیریت ریسک تشویق و ترغیب می شوند، و مدیریت داده ها و گزارش گیری ریسک انجام می شود، همچنان می تواند مثر ثمر باشد. ولی نامیدن این شخص به عنوان "مدیر ریسک" گمراه کننده است. در عوض باید عنوان شغلی ای که بازتاب دهنده آنچه آنها واقعا انجام می دهند باشد، استفاده نماییم. گزینه های مناسب می تواند هماهنگ کننده ریسک، تسهیلگر ریسک، پشتیبان ریسک یا مدیر فرآیند ریسک باشد. این نام ها توضیح می دهند که این شخص در واقع چه کاری انجام می دهد.

بنابراین اگر پروژه یا کسب و کار شما مدیران ریسکی دارد، شما باید به آنها گوشزد نمایید که شغل آنها در خطر است مگر اینکه نام آن را تغییر دهند. پیشنهاد نمایید عنوان شغلی را به شکلی که با آنچه انتظار می رود انجام دهند خوانا باشد، تغییر دهند. و مطمئن شوید که هر کسی می داند که همه ما مدیران ریسک هستیم، از مجریان ارشد تا کارگران خط مقدم. اگر من مجبور به برآورده سازی یک هدف شوم، آنگاه باید از اینکه چه ریسکی هایی می توانند دستیابی من به آن هدف را تحت تاثیر قرار دهند، آگاه شوم، و مسوولیت انجام اقدامات مربوط به مدیریت آن ریسک را بپذیرم. هیچ کس دیگری نمی تواند و نباید آن را برای من انجام دهد. شما تنها "مدیر ریسکی" هستید که می تواند ریسک هایی را که درباره اهداف شما روی می دهند، مدیریت کند.